

نگاهی به آثار فارسی پیرامون سیر و سلوک ریشیان کشمیر

محمد صدیق نیازمند*

همان‌طور که کشور ایران به‌عنوان سرزمین فرهنگ و هنر مهد عارفان شناخته شده است، کشمیر نیز به‌علاوه لطافت و زیبایی طبیعی، گلشن عرفا و گاهواره صوفیان به‌شمار می‌رود. این امر مسلم است که اسلام در کشمیر به‌توسط مبلغان ایران ترویج یافت. مبلغانی که خودشان در کانون تصوف و عرفان اسلامی تربیت یافته بودند، همان تصوف و عرفان ایرانی را به‌عینه در کشمیر با جذب و شوق و با نیروی ایمان رواج دادند که خودشان با آن آشنا بودند. از میان آنها سید محمد همدانی، پیر حاجی محمد قاری و سید حسین سمنانی را باید نام برد. بنیان تصوف در کشمیر به‌دست مبلغان متذکره فوق نهاده شد و بعداً در قرن‌های متمادی کاخ بلند تصوف در کشمیر به‌دست مبلغان متذکره فوق استوار شد. مناسب است تذکر بدهیم که اهل کشمیر در طول مدت هفت قرن اخیر در تمام جنبه‌های زندگی، ادبی و عرفانی از ایران بزرگ پیروی نموده و حتی این تقلید به‌جایی رسیده است که کشمیر در جهان متمدن امروزی به‌اسم «ایران صغیر» موسوم گشت.

در نتیجه معاشرت مبلغان ایران با مردم کشمیر یک جامعه اسلامی در کشمیر به‌وجود آمد و در آن جامعه اسلامی گروهی از عارفان و متصوفه بروز کرد که هدف شان تصفیه قلب و تزکیه نفس و زدودن زنگار قلب به‌ابراز عشق و محبت بود. این فرقه صوفیان که از خودگذشتگان و تشنگان معرفت الهی هستند، در کشمیر به‌نام ریشیان معروف‌اند.

* استاد مرکز مطالعات فارسی و آسیای مرکزی، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی‌نو، هند.

درباره وجه تسمیه کلمه ریشی محققان اختلاف نظر دارند. به نظر بعضی از محققان ریشی از واژه «وریشا» مشتق است بر طبق آیه کریمه «يَنْبَغِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا

ریشیان کشمیر به دلیل اینکه حضرت عیسیٰ، حضرت یحییٰ، حضرت رابعه^ح و حضرت اویس^ح و غیرهم که اهل حال بوده‌اند، به تجرید زندگی گذاشته‌اند، لذا ریشیان نیز به پیروی از ایشان زن نمی‌گرفتند و زندگی به تجرید می‌گذاشته‌اند.

يُورِي سَوَاءَ تَكُمُ وَرِيشًا^ط وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ^ع ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ^ا به نظر محققان این گروه چون ریشیان لباس تقوی پشمی دربرمی‌کردند، به این مناسبت آنها را ریشی می‌گفتند. برخلاف این گروه بعضی از محققان دیگر به تأویل واژه

ریشی اکتفا نموده آن را از «ریش» به معنی زخم یا مجروح مشتق می‌گردانند و تصور می‌کنند که ریشیان مثل مجروحان یا زخمیان، شب و روز با چشمان پُر آب در معرفت الهی به‌آه و زاری زندگی می‌کنند لذا به نام ریشی موسوم‌اند. در این ضمن بیت زیر حافظ شیرازی حائز ارزش فراوان است:

گر طمع داری از آن جامِ مرصع می لعل ای بسا دُر که به نوکِ مژه‌ات باید سفت

اما بعضی از دانشمندان مصدر واژه ریشی را «ریشه» یعنی ریشه طیر یا بال پرندگان می‌پندارند و بر آن هستند که ریشه وقتی که از پرندگان جدا می‌شود، در مقابل باد، بیچاره، ناچیز و ضعیف می‌ماند. دانشمندانی هستند که به‌خلاف آرای متذکره فوق می‌گویند که واژه ریشی از واژه رکهی (Rikhi) استخراج شده است. رکهی به زبان سانسکریت کسی را می‌گویند که تارک دنیا باشد و در معرفت حق مستغرق. ریشی برای حصول معرفت حق ترک دنیا می‌کند و برای حصول حق تن به ریاضات دشوار و عبادات مشکل در دهد و حق هم هست که واژه ریشی هیچ‌سروکاری به‌واژه‌های عربی یا فارسی ندارد. زیرا طایفه ریشیان در کشمیر پیش از ترویج عربی و فارسی وجود داشته است.

مسلک ریشی مثل مسلک‌های دیگر نیست که بنیانگذار آن شخصی مخصوص باشد این مسلکی است شامل بعضی از عقائد و افکار مذاهب مانند بودایزم، هندوایزم و جین‌ایزم. وقتی که اسلام در کشمیر در سال ۷۲۵ هـ ق گسترش یافت، عقائد و افکار صوفیان ایران با آن درآمیخت. چنانکه می‌بینیم بعد از ترویج اسلام در کشمیر طبقه‌ای از عرفا در بین فرقه مسلمان به‌وجود آمد که دنیا و اهل دنیا را ترک گفته، برای قرب الهی به‌بیشه‌های دور و دراز رفته، به‌تجربید زندگی گذاشتند. شب و روز ریاضت و عبادات انجام می‌دادند و در بیابان‌ها و جنگل‌ها خلوت می‌گزیدند، تا در پهنای دریای عرفان غوطه زنند و دُر معرفت به‌دست آورند.

در حدیث پیامبر آمده است: "لارهبانیه فی الاسلام" و بر طبق این حدیث هیچ مسلمان نمی‌تواند زندگی را به‌تجربید گذارد. اما ریشیان کشمیر به‌دلیل اینکه حضرت عیسی^ع، حضرت یحیی^ع، حضرت رابعه^ع و حضرت اویس^ع و غیرهم که اهل حال بوده‌اند، به‌تجربید زندگی گذاشته‌اند، لذا ریشیان نیز به‌پیروی از ایشان زن نمی‌گرفتند و زندگی به‌تجربید می‌گذاشته‌اند. تصور می‌کردند که از تقلیل شهوت روزه دارند. چنانکه بابا داود خاکی^ع در ریشی‌نامه (سال تصنیف ۹۸۸ هـ ق) می‌گوید:

بی‌نکاحان را پی تقلیل شهوت روزه است

امر پیغمبر اگر هم هست زن کردن حلال

عیسی^ع و امّ وی و یحیی^ع مجربّ بوده‌اند

هم اویس و رابعه دیگر گروهی ز اهل حال^۱

بابا نصیب‌الدین غازی (م: ۱۰۴۷ هـ) کتاب نورنامه را در شرح حال نورالدین ریشی که سرسلسله ریشان کشمیر بوده است، نوشته است. او بعضی از اصول و ضوابط ریشیان را در کتاب خود نقل می‌کند و می‌گوید:

ریش یعنی بی‌زن و فرزند بود قطع پیوند شرط حال ریشیان است

ریش یعنی خرقة تقوی لباس خرقة تقوی لباس ریشیان است

ریش یعنی تارک حرص و هوا ترک بدنفسی سلوک ریشیان است

ریش یعنی شیخ نورالدین ولی کز صفاتش مرهم دل ریشیان است

۱. ریشی‌نامه، بابا داود خاکی، چاپ درکا، سرینگر، ص ۱۸.

متقی بوده است اول نورالدین مقتدای پارسای ریشیان است^۱
در میان فرقه مسلمانان کشمیر پیشوای ریشیان حضرت شیخ نورالدین ریشی بود.
حضرت بابا داود خاکی^۲ در کتاب منظوم به نام ریشی نامه می گوید:

بابا نصیب الدین غازی (م: ۱۰۴۷ هـ)
کتاب نورنامه را در شرح حال
نورالدین ریشی که سرسلسله ریشیان
کشمیر بوده است، نوشته است. او
بعضی از اصول و ضوابط ریشیان را
در کتاب خود نقل می کند.

شیخ نورالدین ریشی پیر جمع ریشیان
زاهدی خوش بود با حق داشت بسیار اشتغال^۲
شیخ مزبور نخستین کسی است که
مسلك ریشی را با فکر و اندیشه عارفان
ایرانی آشنا ساخت. سپس ریشیان بعدی از او
تقلید نمودند. این فرقه بعد از آن، چنان
وسعت گرفت که در زمان اکبر پادشاه
گورکانی هند و پسرش نورالدین جهانگیر
تعداد ریشیان به دو هزار تن رسیده بود.

ریشیان کشمیر دوست ندارند که هیچ مخلوق حتی چرند و پرند یا حشرات را
برنجانند. گوشت هرگز نمی خورند. از خوردن پیاز، سیر و عسل اجتناب می کنند.
معتقدند که به خوردن گوشت خلل به عبادت شان افتد و به عقیده بابا داود خاکی گوشت
خواری قوت شهوانی و غضبانی را برمی انگیزد لذا ریشیان از خوردن گوشت احتراز
می کنند می گوید:

گوشت را چون خاصیت سختی دل میل نساء است

ترک آن بهتر به عذاب است و اهل اعتزال^۳

به همین علت ریشیان در جنگل ها و بیشه ها زندگی می کردند و با سبزی های
خودرو زندگی را تأمین می کردند. باید در اینجا اضافه نمود که ریشیان با این همه که
به فلاکت زندگی می کنند ولی دست نیاز پیش کسی دراز نمی کنند، بلکه در بیابان ها و
جنگل ها و صحراها درخت های میوه می نشانند به این نیت که مردم از آن بهره برند و

۱. تحائف الابرار (خطی)، محی الدین مسکین، برگ ۸۰ ب.

۲. ریشی نامه، ص ۹.

۳. همان، ص ۳۶.

خودشان از آن هیچ تمّتع نمی‌گیرند. نورالدین جهانگیر پادشاه مغول در توزک جهانگیری درباره ریشیان کشمیر می‌نویسد:

ریشیان در جنگل‌ها و
بیشه‌ها زندگی می‌کردند
و با سبزی‌های خودرو
زندگی را تأمین
می‌کردند.

”طایفه از فقرایی باشند که آنها را ریشی گویند. به‌بی‌ساختگی و ظاهرآرایی می‌زیند و هیچ‌کس را بد نمی‌گویند. زبان خواهش و پای طلب کوتاه دارند. گوشت نمی‌خورند و زن نمی‌کنند. پیوسته درخت میوه‌دار در صحرا می‌نشانند، به‌این نیت که مردم از آن تمّتع بگیرند. قریب دو هزار کس ازین گروه بوده باشد“^۱.

طریق ریشیان آن است که به‌عجز و زاری در ذکر دایم محو شوند. از حرکت زبان در گذرند و تمام وجود به‌ذکر حق پردازد. چشم ظاهر پُرآب و چشم باطن منور از معرفت حق شود. قلبش پر از عشق و سرمستی مثل عارفان ایرانی. ریشی با قلب و احساسات کار دارد، نه با عقل و منطق. چون عقل و فکر مانع راه عرفان است لذا ریشی با قلب و احساس سروکار دارد. آنچه را که عالم یا فقیه به‌استدلال به‌آن برسد، ریشی به‌شور و شوق از آن بگذرد. تصفیة قلب و تزکیة نفس می‌کند و قلب را از اغیار خالی می‌کند تا محبوب و مطلوب در آنجا گزیند.

ریشی اختلاف ادیان را چیزی فرعی و غیرضروری تصوّر می‌کند، زیرا به‌نظر او تمام ادیان به‌انوار الهی رهنمونی می‌کنند. آنها قائل به‌دینی هستند که با دینی دیگر در اختلاف را باز نکند و از دنیا و آرزوهای آن بیرون آورد و به‌سوی وحدت ذات حق رهبری کند. گروه‌بندی مذاهب یا جامعه را ردّ می‌کنند و مایل به‌مذهبی هستند که در آن جنگ و جدال کفر و ایمان نباشد. خواجه حبیب الله حبّی نوشهری می‌گوید:

دلا بگو که چه این اختلاف ادیان است یکی چه کافر و دیگر چرا مسلمان است
شد اختلاف همه ز اختلاف آن اسما که آن مقابل این، این مقابل آن است
یکی ست مظهر هادی که مسلمان آمد ز آن سبب عمل او نه غیر ایمان است

۱. توزک جهانگیری، مطبعه نولکشور، ص ۳۰۶.

یکی‌ست مظهر اسم مذل و کافر گشت از آن سبب عمل او نه غیر کفران است
 از این دو طایفه راضی همان دورب خود است ولیک مرضی این مرضیش نه شایان است
 خلاف ملّه و دین، نی ز ربّ ارباب است در آن نه کفر، نه ایمان، نه شک نه ایقان است^۱

مسلک ریشیان که ریشه‌های آن
 در هیچ‌جا بیرون از مرزهای
 کشمیر دیده نمی‌شوند، بر مبنای
 عشق و محبت استوار است.

در مسلک ریشیان آدم و فرزند آدم حاصل
 هردو جهان‌اند و تمام انوار الهی مستغرق آدم
 است به‌نحوی که جسم آدم به‌دون روح
 بی‌ارزش است همان‌طور دنیا بدون آدم بی‌جان
 است. ظاهر آدم است و در باطن خدا. حیّ
 می‌گوید:

هر دو عالم غرق آدم یافتم بلکه آدم اسم اعظم یافتم
 آدم و فرزند آدم دیده‌ام مردم چشم دو عالم یافتم
 چیست عالم چیست آدم یک وجود در حقیقت هردو با هم یافتم
 ظاهراً آن آدم و باطن حق است بلکه این دو حرف مدغم یافتم^۲

مساعی ریشیان کشمیر در گسترش و ترویج اسلام اهمیت فراوان دارد، زیر ریشیان
 در جامعه سهم بزرگ داشته‌اند. این حقیقت باعث بسیار خوشنودی است که درباره
 مسلک ریشی و شخصیت‌های برگزیده این سلسله صوفیان آنچه که در دست داریم،
 به‌زبان فارسی نوشته شده است و در دسترس است. راجع به اصول و ضوابط و عقاید و
 آرای ریشیان کشمیر کتب بسیار معتبر به‌فارسی نوشته شده است و ما در اینجا به‌ذکر
 بعضی از آن می‌پردازیم.

نخستین کتابی که درباره عقاید و اصول این سلسله در کشمیر به‌فارسی تحریر
 یافت همان کتاب «ریشی‌نامه» است که بابا داود خاکی^۳ آن را نوشت. این کتاب منظوم
 چندین بار در کشمیر چاپ شده است. کتاب دیگری که مصنف آن به‌تفصیل مسلک
 ریشی پرداخته است «نورنامه» است. نویسنده کتاب بابا نصیب‌الدین غازی می‌باشد که
 خود نیز ریشی بوده است کتاب به‌نثر فارسی است.

۱. دیوان حبیب‌الله حیّی نوشهری (خطی)، برگ ۵۱.

۲. همان، برگ ۴۷ ب.

بابا داود مشکواتی دو جلد کتاب را دربارهٔ مسلک ریشی نوشته است. یکی به نام *منهاج الریشیه* که به زبان عربی نوشته است و این کتاب فعلاً در دسترس نیست و اما

نخستین کتابی که دربارهٔ عقاید و اصول این سلسله در کشمیر به فارسی تحریر یافت همان کتاب «ریشی‌نامه» است که بابا داود خاکی رح آن را نوشت.

کتاب دوم به‌نثر فارسی است به نام «اسرارالابرار» مصنف در ضمن احوال و آثار ریشیان نکاتی مهم پیرامون مسلک ریشی و عقائد ریشیان در آن درج نموده است. ملّا بهاء‌الدین متو خود نیز عارف کامل بود. کتابی منظوم و ضخیم به نام «ریشی‌نامه» در سال ۱۲۲۳ هـ ق نوشت. در توضیح سلسلهٔ ریشیان

کشمیر کتابی به نام *روضه‌الریاضات ازهارالانوار* از

مصنّفات بابا خلیل نیز در دسترس می‌باشد و مصنف این کتاب را در

سال ۱۲۵۱ هـ ق به‌پایان رسانید. در این کتاب بعضی از اصطلاحات، مجاهدات، کرامات و خوارق عادات ریشیان درج است.

کتب فارسی دیگر نیز وجود دارد که در ضمن مباحث تصوّف و عرفان ایرانی، دربارهٔ اصول و ضوابط مسلک ریشی اطلاعات سودمند در آن درج است. این کتب فارسی پرتوی به‌حقایق ریشیان و چگونگی وضع ایشان دارند. تعداد این چنین کتب فارسی در کشمیر بسیار است و ما در اینجا به‌ذکر بعضی از آن می‌پردازیم.

تذکرة العارفین تصنیف بابا علی رعنا؛ *چلچله العارفین* از خواجه اسحاق قاری سال تصنیف ۹۸۲ هـ؛ *هدایت‌المخلصین* تألیف بابا حیدر تیله مولی سال تصنیف ۹۹۳ هـ؛ *راحت‌الطالبین* از خواجه حسن قاری سال تصنیف ۹۸۲ هـ؛ *تذکرة المرشدین* تصنیف خواجه میرم بزاز (سال تصنیف ۹۹۷ هـ).

خلاصه و ماحصل مبحث اینکه مسلک ریشیان که ریشه‌های آن در هیچ‌جا بیرون از مرزهای کشمیر دیده نمی‌شوند، بر مبنای عشق و محبت استوار است. انسان را درس دوستی و اخوت، امنیت و سلامتی می‌دهد. مردم آزاری و ایذا رسانی را مباح قرار نمی‌دهد. انسان را و می‌دارد تا اینکه خود را بشناسد و معرفت حق تعالی را دریابد. این مسلک در عبادات شاقّه، به‌مکاشفه و اذکار دائم معتقد است.